



DOR: 20.1001.1.27833542.1400.1.4.3.7

ANALYZING THE REACTION OF THE BELIEVERS FACING THE LIE FABRICATION OF THE ENEMIES AGAINST THE RELATIVES OF THE MUSLIMS' LEADER (BASED ON VERSES 11 TO 20 OF SURAH NOOR)

(Received: 2022-03-19 / Accepted: 2022-06-29)

Seyyed Malik Khademi¹

ABSTRACT

The enemies of the Islamic government always seek to weaken and destroy the Muslims and the Islamic government and its officials in different ways; One of their actions is to fabricate lies and spread them to the maximum; Verses 11 to 20 of Surah Al-Noor, which address the believers in more than 20 sentences, express the calumny (Ifk) of the enemies of the Islamic government; It is important to study this issue to prevent the achievement of the enemies and to strengthen the Islamic administration. Thus, practical and developmental researches in this field are necessary; because the enemy is putting a lot of pressure on the Islamic society and changing beliefs through spreading lies and psychological warfare, and the believers must learn and implement the right methods of dealing and reacting to it.

This article examines the aforementioned verses according to the interpretations and addresses what the active and passive reactions are, their types, reasons and how they are. This research has processed library and software data in a descriptive-analytical method by narrative-revelatory manner (verses and hadiths). An examination of some backgrounds shows that so far no research has been done on the analysis of the believers' reaction to the verses of Ifk, and scholars have mostly studied the occasion of revelation of these verses. Therefore, the present article, with this new perspective, examines the reaction of believers to such an issue.

Some of the results are as follows: A passive reaction to the lies and liars is the result of weak faith and lack of insight, and will weaken the position of leadership, and indifference in this issue will lead to great and painful torment, but an active reaction against liars is the result of faith and religiosity, and it leads to be optimistic about the believers and pessimist against the enemies, as well as it prevents the occurrence of immoralities.

KEYWORDS: Passive Reaction, Active Reaction, Ifk, Lie Fabrication, Leadership Relatives

1- Student of level three in Qom Seminary, Qom, iran, malek2@mailfa.com.

واکاوی واکنش مؤمنان در برابر دروغ‌سازی دشمنان علیه بستگان رهبر مسلمانان (با تکیه بر آیات ۱۱ تا ۲۰ سوره نور)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸)

سید مالک خادمی^۱

۱. چکیده

دشمنان نظام اسلامی همواره با روش‌های متفاوتی در پی تضعیف و تخریب مسلمانان و نظام اسلامی و مسئولان آن هستند؛ یکی از اقدامات آنان، دروغ‌سازی و نشر حداکثری آن است؛ آیات ۱۱ تا ۲۰ سوره نور، که مؤمنان را در بیش از ۲۰ جمله مورد خطاب قرار داده است، بیانگر افک (دروغ‌سازی) دشمنان نظام اسلامی است؛ بررسی این موضوع برای جلوگیری از پیروزی دشمنان و تقویت نظام اسلامی مهم است و پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای در این زمینه ضروری است؛ زیرا دشمن به‌شدت با شایعه‌پراکنی و جنگ روانی در حال فشار به جامعه اسلامی و تغییر باورهاست و مؤمنان باید روش‌های برخورد و واکنش درست را فراگرفته و اجرایی کنند؛ این نوشته، آیات یادشده را از منظر تفاسیر، بررسی و به چستی و چندگونگی و چرایی و چگونگی واکنش سازگاران و ناسازگاران پرداخته است.

این پژوهش با روش نقلی و حیانی (آیات و روایات)، داده‌های کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری را به شکل تحلیلی توصیفی پردازش کرده است. بررسی برخی پیشینه‌ها نشان می‌دهد تاکنون پژوهش درباره واکاوی واکنش مؤمنان از آیات افک صورت نگرفته است و پژوهشگران، بیشتر به بررسی شأن نزول این آیات پرداخته‌اند؛ از این رو نوشتار حاضر با این دیدگاه نو، واکنش مؤمنان را به چنین مسئله‌ای بررسی کرده است. برخی از نتایج چنین است: واکنش سازگاران با دروغ و دروغ‌سازان

نتیجهٔ ضعف ایمان و بی‌بصیرتی است و سبب تضعیف جایگاه رهبری خواهد شد و بی‌تفاوتی در این مسئله عذاب عظیم و دردناکی در پی دارد، اما واکنش ناسازگارانه در برابر دروغ‌سازان نتیجهٔ ایمان و دین‌داری است و سبب خوش‌گمانی به مؤمنان و بدگمانی به دشمنان و مانع وقوع منکرات خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: واکنش سازگارانه، واکنش ناسازگارانه، افک، دروغ‌سازی، اطرافیان و بستگان رهبری

۲. مقدمه

رهبری مسلمانان، مهم‌ترین وظیفهٔ پیامبران الهی و جانشینان الهی آنان است؛ افرادی که دشمنی شخصی یا عقیدتی یا عملی با آنان دارند، همواره سعی می‌کنند با انواع دسیسه‌ها و دروغ‌سازی‌ها مردم را از گرد آنان دور کنند (نوفل، ۱۴۰۷ق: ۱۸ و ۳۰) و جایگاه و مقبولیت آنان را تضعیف کنند و در نتیجه به اهداف خود، یعنی به دست گرفتن حکومت و قدرت، برسند.

بیان مسئله

آیات بسیاری از قرآن کریم بیانگر واکنش مردم در برابر اتفاق‌های گوناگون است؛ یکی از این اتفاق‌ها دروغ‌سازی دربارهٔ مؤمنان است که نیازمند واکنشی مناسب است؛ خدای سبحان بی‌تفاوتی در این باره را ناپسند شمرده است و مؤمنان را به سبب تأیید دروغ و دروغ‌سازان نهی و توبیخ کرده است؛ از جمله آیاتی که در این باره وجود دارد، آیات ۱۱ تا ۲۰ سورهٔ نور است.^۱ در این نوشتار می‌کوشیم تا واکنش مؤمنان را در برابر دروغ‌سازی دشمنان بررسی و تحلیل کنیم؛ که چنگ‌گونه واکنش وجود دارد و مؤمنان چگونه واکنشی از خود نشان داده و باید بدهند. برای این هدف از تفاسیر گوناگون (مانند گرایش اجتماعی و تربیتی) و معتبری از جمله تفسیر العیاشی، روض الجنان، مجمع البیان، التفسیر الکبیر، المیزان، پرتوی از قرآن، من هدی القرآن، روان جاوید، تسنیم، نمونه و نور بهره خواهیم برد.

اهمیت و ضرورت مسئله

خداوند، در این آیات، سازش‌گران را سرزنش کرده است؛ برای نمونه پنج بار حرف «لولا» را که از ادات توبیخ است به کار برده و از عذاب بزرگ و دردناکی برای سازشگران با دشمن خبر داده است؛ از این رو، اهمیت دارد که به واکاوی واکنش مؤمنان پردازیم؛ امروز نیز با گسترش وسایل ارتباط‌جمعی، رسانه‌های گوناگون به انتشار دروغ می‌پردازند و ضروری است مؤمنان واکنش مناسب در برابر دروغ‌های دشمنان را فراگیرند تا مبادا سکوت یا سخن آنان مهر تأییدی بر دروغ‌های دشمنان و بی‌آبرویی مؤمنان باشد؛ زیرا مؤمنان بر همدیگر حقوقی دارند از جمله اینکه «جز خیر به هم گمانی نداشته باشند» (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴ق: ۶۷).

۱- آیات دیگری مانند احزاب: ۶۰ و حجرات: ۶ را نیز می‌توان در این زمینه بررسی کرد.

پیشینه مسئله

با جستجوی پیشینه در برخی از کتاب‌ها و مقاله‌ها، این نتیجه حاصل شد که درباره چگونگی واکنش مؤمنان در این آیات، بحث قابل توجهی صورت نگرفته و بیشتر روی سخن به اختلاف در شأن نزول آیه و موضوع اشاعه رفته است که کدام‌یک از همسران پیامبر (ﷺ) مورد تهمت قرار گرفته است؟ و چه کسانی به این دروغ پرداخته‌اند؟

برای نمونه، نهله غروی نائینی در مقاله «شایعه در قرآن و روایات و امنیت جامعه» شایعات گوناگون درباره پیامبر، خانواده ایشان و جامعه اسلامی را بررسی کرده است. در این میان، داستان افک را نیز به‌عنوان شایعه ناموسی و اخلاقی ذکر کرده است. همچنین محمد مازندرانی در مقاله «شایعه در قرآن و روایات»، ضمن اشاره به آیات افک، در بخشی از نوشته به آثار شایعه و وظایف مسلمانان در برابر شایعه‌پردازی و راه درمان بیماری شایعه‌سازی پرداخته است. سید روح‌الله حسینی علی‌آباد در مقاله «نگاه قرآنی به شایعه و شبهه، دو روش نفوذ فرهنگی دشمن از طریق رسانه» و هم به آیات یادشده پرداخته و هم با رویکرد فضای مجازی و رسانه این موضوع را بررسی کرده است.

درباره شأن نزول آیات، میان دانشمندان مسلمان اختلاف است که افک به خانواده پیامبر (ﷺ) نسبت داده شده است یا به دیگری (حسینی، ۱۳۹۸ ش: ۱۰۲)؛ اگر درباره خانواده پیامبر (ﷺ) باشد، «اصلاً قضیه این نیست که ما بخواهیم بینیم کدام زن پیامبر بوده که این آیات درباره تهمت به او نازل شده است. مسئله، مسئله دیگری است؛ یک دستور اخلاقی اجتماعی بسیار مهم است» (خامنه‌ای: ۱۳۶۸/۰۷/۲۸). اگر درباره خانواده پیامبر (ﷺ) نباشد، بخش اصلی این نوشته را می‌توان به آن استناد کرد؛ زیرا آیات برای توییح نوع واکنش مردم صادر شده است که چرا واکنش آنان نسبت به دروغ و دروغ‌سازان سازگارانه بود نه ناسازگارانه؟ امام خامنه‌ای به‌عنوان رهبر کنونی مسلمانان در این باره می‌فرمایند: «مسئله این نیست که این شخص، همسر پیامبر بود. اگر همسر پیامبر هم نبود، همین عتاب و خطاب و همین تکلیف برای مؤمنین وجود داشت» (همان).

بی‌شک اگر این نسبت (افک) به خانواده رهبری مسلمانان باشد، بهتانی بزرگ‌تر و توییح و عذابی دردناک‌تر در پی خواهد داشت؛ این نتیجه از آیات دیگر نیز به دست خواهد آمد؛ علاوه بر این، هدف دروغ‌سازان، تخریب نظام اسلامی یا شخصیت رهبر مسلمانان بود که بررسی این مسئله نیز با توجه به آیات مورد بحث امکان‌پذیر است. پس می‌توان با تحلیل آیات یادشده در

عنوان، واکنش مؤمنان در برابر دروغ‌سازی دشمنان دربارهٔ مسلمانان، به‌ویژه رهبری و مسئولان نظام اسلامی را بررسیید.

علامه طباطبایی در ابتدای تفسیر این آیات با ذکر اختلاف در مخاطب آیات ده‌گانه، به این نکته می‌پردازد که خطاب آیات به عموم مؤمنان است و خلاف سیاق است که یک یا چند خطاب به افرادی معین باشد؛ زیرا این کار، یعنی تعیین خطاب به افرادی خاص، تفکیک میان خطاب‌هایی است که در ده آیه اول از آیات مورد بحث قرار دارند، چون بی‌شک بیشتر خطاب‌های مذکور، که بیست و چند خطاب است، متوجه عموم مؤمنین است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵: ۹۰).

ایشان (همان: ۸۹) باور دارد، هر دو دسته از روایات شأن نزول، دارای اشکالاتی است و چیزی که مسلم است افک مورد بحث، دربارهٔ یکی از خانواده‌های رسول خدا (ﷺ) بوده، حال یا همسرش یا کنیز ام ولدش که شاید همین نکته هم به‌طور اشاره از تعبیر ﴿وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ﴾ (نور: ۱۵) استفاده شود.

آیت‌الله جوادی آملی نیز بیان کرده‌اند که اصل واقعهٔ افک دربارهٔ حریم پیامبر (ﷺ) است، هرچند در تعیین مصداق آن اختلاف است که عایشه بوده یا ماریهٔ قبطیه (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۲۱۶)؛ اما گروهی از منافقان سعی کردند با رواج این تهمت، حریم حضرت را مسلوب الحیثیه کنند (همان)؛ بنابراین این آیات فراوان برای تبرئهٔ حریم پیامبر نازل شده است.

آیت‌الله مکارم شیرازی دربارهٔ شمول آیات می‌فرماید: «می‌دانیم آیات قرآن اختصاص به شأن نزول ندارد، بلکه همهٔ مؤمنان را تا دامنهٔ قیامت شامل می‌گردد، یعنی توصیه می‌کند که مسلمانان در این گونه موارد گرفتار احساسات تند و داغ نشوند و در برابر لغزش‌ها و اشتباهات گنه‌کاران تصمیمات خشن نگیرند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۴۱۴).

نوآوری تحقیق

پس از بررسی برخی از پیشینه‌های پژوهشی می‌توان نوآوری این تحقیق را چنین بیان کرد: توجه به «سیاق آیات» که یکی از اصول تفسیری است و «کاربردی کردن» آن متناسب با «فضای مجازی» که سرعت انتشار دروغ‌سازی و شایعه در آن زیاد و دایرهٔ آن وسیع است؛ زیرا پژوهش‌های پیشین بیشتر به «شأن نزول» یا «شایعه» تکیه کرده‌اند و نیازهای جامعه به‌ویژه فضای مجازی - که بستر دروغ و دروغ‌سازی را گسترده کرده است - را لحاظ نکرده‌اند همچنین در

موضوع شایعه، متکی بر آیات یاد شده نیستند. آیات این داستان می‌رساند که مطلب در میان مسلمانان شهرت یافته و سروصدا به راه انداخته و اشارات دیگری که از آنها برداشت می‌شود که به بعضی از خانواده رسول خدا (ﷺ) نسبت فحشا داده شده و نسبت‌دهندگان چند نفر بوده و داستان را در میان مردم دهان‌به‌دهان چرخانده‌اند. همچنین به دست می‌آید که بعضی از منافقان یا بیماردلان در اشاعه این داستان کمک کرده‌اند، زیرا به‌طور کلی اشاعه فحشا در میان مؤمنان را دوست می‌داشتند؛ از این رو، خدا این آیات را نازل و از رسول خدا (ﷺ) دفاع کرد؛ پس با توجه به آنچه بیان شد بر اساس سیاق آیات، به این مهم می‌پردازیم که مؤمنان چرا واکنش مناسب انجام ندادند و باید چه کاری می‌کردند تا تویخ نمی‌شدند؟

۳. چهارچوب و ادبیات تحقیق

در این بخش، مبانی، اهداف، روش و مبادی تحقیق بیان می‌شود.

مبانی تحقیق

در مبانی، به زیرساخت‌ها و پیش‌پژوهش‌های مسئله می‌پردازیم؛ مبنای این تحقیق تنها آیات ۱۱ تا ۲۰ سوره نور است و بنا نداریم آیات دیگر را بررسییم زیرا به‌عنوان یک رکوع قرآنی دارای معنای مستقلی هستند؛ محور این تحقیق، ظاهر و سیاق آیات است که به‌روشنی بیانگر چگونگی واکنش مؤمنان در برابر دروغ و دروغ‌سازان و همچنین واکنش خدای سبحان درباره این اقدام است هرچند به شأن نزول آیات نیز توجه شده است.

اهداف تحقیق

- در اینجا برخی از اهداف و چشم‌اندازهای تحقیق را بیان می‌کنیم.
۱. دشمن‌شناسی: بدانیم که دشمنان نظام اسلامی همیشه به شکل سازمانی و گروهی (عُصبة) در پی تضعیف و تخریب نظام و مسئولان و جامعه اسلامی هستند. در پی این شناخت، شیوه‌های برخورد با دشمنان سازمان‌یافته را خواهیم یافت.
 ۲. دوست‌شناسی: بدانیم که به‌محض شنیدن یا دیدن، قضاوت به‌خوبی یا بدی نکنیم، بلکه بررسی کنیم؛ به‌ویژه آنجا که درباره مؤمن و مسلمان و رهبر مسلمانان باشد.
 ۳. رفتارشناسی: حرکت از جهت برخورد دوگونه است: کنشی یا واکنشی. هرکدام از جهت

سازش دوگونه است: سازگارانه و ناسازگارانه؛ آیات موردبررسی در این پژوهش، رفتارهای سازگارانه را شناسایی و نقد کرده است.

روش تحقیق

از میان روش‌های تحقیق (عقلی، نقلی، ادبی، زبان‌شناختی و ترکیبی)، روش نقلی و حیانی (آیات و روایات) را برای توصیف و تحلیل داده‌هایی کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری برگزیدیم تا پژوهش از اتقان بیشتری برخوردار باشد.

مبادی تحقیق

در مبادی به چیستی و چندگونگی دو واژه واکنش و افک می‌پردازیم:

الف) چیستی واکنش

واکنش در مقابل کنش است؛ واکنش حرکتی است که در مقابل حرکت دیگر صورت می‌گیرد. از نظر اسلام، هر عملی (کنشی)، عکس‌العملی (واکنشی) دارد؛ قرآن کریم در مورد کنش و واکنش منفی می‌فرماید: «وَجَزَاءٌ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا» (شوری: ۴۰): «کیفر بدی مجازاتی همانند آن است.» و در مورد کنش و واکنش مثبت می‌فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن: ۶۰): «آیا جزای نیکی جز نیکی خواهد بود؟» در نتیجه سود و زیان واکنش اعمال را متوجه او می‌داند: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسِنْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (اسراء: ۷): «اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید؛ و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید.»

بنابه قانون یکم نیوتن «جسم دوست دارد اگر ساکن است، ساکن باقی بماند و اگر متحرک است، متحرک باقی بماند!» و بنابر قانون سوم نیوتن «هرگاه جسمی به جسم دیگر نیرو وارد کند، جسم دوم هم به جسم اول نیرویی برابر آن، ولی در خلاف جهت وارد می‌کند.»

از نظر فقهی، در باب نهی از منکر و برخی دیگر از ابواب، واکنش در برابر کنش‌های منفی واجب است. «انکار از نظر فقهی، بدین معناست که مسلمان در قبال گناهکار عکس‌العمل مناسب از خود نشان دهد، مانند اعراض و روگردانی و جواب دادن و کتک کاری، همچنین جواب نفی مدعی علیه در حقی که مورد ادعای مدعی است. انکار با وجود شرایط برای هر مکلف واجب

۱- در تفاسیر، این آیه را حمل به جراحت و قصاص در جرح کرده‌اند نه اینکه در سب و فحش اینچنین باشد ﴿لَا يُقَابَلُ الْقَذْفُ بِقَذْفٍ وَلَا الْكُذْبُ بِكُذْبٍ﴾ (ماوردی، بی‌تا، ۵: ۲۰۷).

است و در صورت انکار متهم، حاکم با علم خود می‌تواند حکم کند» (مروّج، ۱۳۷۹: ۷۷). همچنین «در مقابل تجاوز دشمن به ناموس و مال و دین و جان، مقاومت و ایستادگی در صورت قدرت، واجب است و در اصطلاح فقه، این مقاومت دفاع واجب نامیده می‌شود و دفاع واجب ابتدا از عکس‌العمل ساده شروع می‌شود تا به عکس‌العمل شدید برسد» (همان: ۲۲۴).

ب) چندگونگی واکنش

واکنش از منظر نوع برخورد دو گونه است: سازگارانه (موافق) و ناسازگارانه (مخالف). انسان در مقابل کنش‌های منفی دو نوع برخورد می‌تواند داشته باشد؛ یا در برابر کنش منفی، مقابله به‌مثل و مخالفت و ناسازگاری خود را اعلام می‌کند یا در برابر کنش منفی، با صلح و سازش برخورد می‌کند و مخالفتی از خود بروز نمی‌دهد.

ج) چیستی افک (دروغ‌سازی)

«انسان در واکنش‌گری با سایر مخلوقات مشترک است، اما به خاطر داشتن قوه تفکر و تعقل، تنها مخلوق کنش‌گر است» (فیلسوف‌یار، ۱۳۹۷). از این رو انسان می‌تواند حتی بدون اثرپذیری از غیر و بدون احتیاج و نیاز، کاری را انجام دهد؛ دروغ و افک نیز یکی از کنش‌ها و واکنش‌هایی است که از انسان سر می‌زند؛ آنان که علیه مؤمنان، بلکه بر رهبر مؤمنان و وابستگان او دروغ می‌بندند، کارشان ناپسند است؛ زیرا اصل دروغ‌گویی ناپسند است؛ حتی اگر راست بگویند، باز هم ناپسند است، زیرا اشاعه دادن منکرات و چیزهای زشت، ناپسند است.

برای جلوگیری از رواج فحشا، دستورهای ویژه‌ای ذکر شده است؛ برای نمونه، برای هر خبری که داده می‌شود از حیث وقوع فعل، یا واقع شده است یا واقع نشده است؛ اگر واقع شده باشد یا به فاعل آن نسبت داده می‌شود یا به دیگری. اگر واقع نشده باشد به هرکس نسبت داده شود «دروغ» است؛ اگر این دروغ را به چیز مهم و باارزشی نسبت دهند، به آن «افک» می‌گویند. در آیات مذکور از سه عنوان: «افک» و «کذب» و «بهتان» سخن به میان آمده است که مراد از آن همان عمل صورت گرفته است.

برخی واژه‌شناسان در چیستی و وابستگی افک با کذب آورده‌اند: «کذب، اسمی است که برای خبر بدون فاعل یا خبر از چیزی که وجود ندارد ایجاد شده است؛ چه قبیح فاحش و آشکار باشد و چه نباشد؛ و اصل آن در عربی کوتاه کردن است. افک، همان کذب است اما آنجایی به کار می‌رود که قبیح و زشتی‌اش، فاحش باشد؛ مانند دروغ بستن بر خدا و رسول خدا ﷺ و نسبت زنا بر زن

شوهردار؛ از این رو، افک در عربی یعنی گرداندن» (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۳۷). راغب افک را چیزی می‌داند که از صورت حقیقی‌اش برگردانده شود: «الْإِفْكَ: كُلُّ مَصْرُوفٍ عَنِ وَجْهِ الذِّي يَحَقُّ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۹). ابن فارس و مصطفوی نیز افک را دگرگون شدن و برگرداندن چیزی از صورت و جهت خودش می‌دانند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱؛ ۱۱۸ و مصطفوی، ۱۳۶۸، ۱: ۹۸).

د) چندگونگی افک (دروغ‌سازی)

افک را به اعتبارهای گوناگونی، مانند موضوع، آثار، عوامل، نیت، سرعت و زمان انتقال می‌توان تقسیم کرد (ر.ک: نوفل، ۱۴۰۷ق: ۷۸). افک در قرآن ۲۷ مرتبه ذکر شده است. بیشتر موارد استعمال آن دروغ‌سازی «منافقان» (منافقان: ۴) و «مشرکان» (احقاف: ۲۸) و «کافران» (احقاف: ۱۱) و «یهودیان و مسیحیان» (توبه: ۳۰) و هر «دروغ‌سازی» (ذاریات: ۹) درباره موضوع‌های اعتقادی و جنسی مانند «خدا» (صافات: ۱۵۱ و ۱۵۲) و «آیات خدا و قرآن» (جاثیه: ۶ و ۷؛ سبأ: ۴۳) و «ملائکه» (صافات: ۱۵۱ و ۱۵۲) و «پیامبران» (توبه: ۳۰) و «مؤمنان» (احقاف: ۱۱) و «زنان» (نور: ۱۱) وارد شده است؛ پس افک، فقط دروغ‌سازی در مورد زنان نیست؛ ولی امروز «بیشتر شایعات با محوریت زنان و دختران مسلمان است که از سوی دشمنان شکل می‌گیرد تا نیرو و مقاومت مسلمانان را از بین ببرند» (ر.ک: نوفل، ۱۴۰۷ق: ۸۸). آنچه در آیات مورد بحث به آن پرداخته شده است، از جهت موضوع، اعتقادی (نبوت) و سیاسی (حاکم اسلامی) و حیثیتی (آبرویی) و جنسی (همسر) است و از جهت عوامل، مهم‌ترین عامل آن، دشمنی با رهبری و رغبت مردم به طرح چنین موضوعاتی بود که منافقان سازماندهی می‌کردند و از جهت زمان و سرعت انتقال، در زمانی کوتاه و با سرعت زیادی نشر یافت.

واکنش سازگاران و ناسازگاران

محوریت این پژوهش تحلیل چستی، چندگونگی، چرایی و پیامدهای مثبت و منفی دو واکنش سازگاران و ناسازگاران است.

۱. واکنش سازگاران با دروغ‌سازی

با توجه به اینکه کلیدواژه اصلی در این پژوهش، واکنش است؛ در دو بخش به بررسی واکنش سازگاران و ناسازگاران می‌پردازیم: ابتدا چستی، چندگونگی، چرایی و چگونگی واکنش سازگاران را بررسی می‌کنیم.

۱-۱. چیستی واکنش سازگاران

وقتی انسان در برابر دروغ و دروغ‌سازان، سکوت کند و بی‌خیال باشد، گویا به آن رضایت داده است؛ مگر اینکه حداقل در قلب خود به آن معترض و متنفر باشد و این در صورتی است که نتواند آن اعتراض و انتقاد را در ظاهر نشان دهد.

۱-۲. چندگونگی واکنش سازگاران

واکنش سازگاران از منظر نمود، یا باطنی است یا ظاهری؛ گاهی انسان در برابر دروغ و دروغ‌سازان، در باطن راضی و خشنود است و در ظاهر واکنشی نشان نمی‌دهد. در این صورت، واکنش او سازگاران و باطنی است و گاهی در برابر دروغ و دروغ‌سازان، در ظاهر رضایت و خشنودی خود را نشان می‌دهد. یکی از نمودهای رضایت ظاهری به دروغ، پخش و ارسال دروغ برای مردم و کاربران و مخاطبان در فضای حقیقی و مجازی یا معرفی دروغ‌سازان و حمایت از آنان است.

۱-۳. عوامل واکنش سازگاران

دروغ را انسان‌ها، حتی دروغ‌گویان، ناپسند می‌شمارند و دوست ندارند کسی به آنان دروغ بگوید و در برابر دروغ‌گویی و دروغ‌گو واکنش نشان می‌دهند. باین حال، گاهی انسان در مقابل دروغ و دروغ‌گویی، سکوت می‌کند و گویا آن را می‌پذیرد البته «جعل و پخش دروغ، بیشتر از شاخه‌های جنگ روانی و توطئه در جهت اشتغال و انحراف افکار عمومی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۴۰۷). در این جا بر اساس آیات مورد بحث به واکاوی دلیل‌های این سازش می‌پردازیم:

۱-۱-۱. قدرت دروغ‌سازان

با توجه به عبارت (عصبة) دانسته می‌شود که دروغ‌سازان، گروهی بوده‌اند که حتی تا چهل نفر هم در آن دخالت داشته‌اند، زیرا عصبة به معنای جماعتی متعصب و یک‌دست و مرتبط با هم است که گفته شده از ده تا چهل نفر است: «أن العصبة جماعة متعصبة متعاضدة، وقيل: إنها عشرة إلى أربعين» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۵: ۸۹). از این دانسته می‌شود که دروغ‌سازان «شبکه‌ای منسجم و نیرومندی برای توطئه تشکیل داده بودند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۳۹۵) که شاید مؤمنان از آنان ترسیده باشند و از این رو واکنشی سازگاران از خود نشان داده باشند.

دروغ و شایعه از افراد خاصی زاده می‌شود و در بستر خاصی (سازش) رشد می‌کند و با واکنش

خاصی (ناسازگاری و مقاومت) می‌میرد؛ از جمله افرادی که سبب تولّد آن هستند عبارت‌اند از: «دشمن رسمی و جنگی، سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی، ستون پنجم مانند مزدوران و منافقان، بنگاه‌های خیرپراکنی و روزنامه‌نگاران خودی، افراد روانی یا ضعیف‌النفس که به‌منظور جلب توجه یا ارضای نفس در حقد و حسد و نفرت و... دست به شایعه‌پراکنی و دروغ‌سازی می‌زنند» (مکارم، ۱۳۷۸: ۴).

۲-۱-۱. ظاهر بینی و ضعف بصیرت

دشمنان با حیل‌های زیادی، دروغ‌های خود را چنان ماهرانه به مؤمنان القا می‌کنند و چنان ظاهرسازی می‌کنند که مؤمنان آنان را خیرخواه و بر حق و راست‌گو ببینند و فریب بخورند. این آیات نشان می‌دهد که مسلمانان به دلیل ضعف بصیرت، چنان فریب خورده بودند که فکر می‌کردند این شایعه‌سازی راست است. «البته بیشتر مردم قدرت مواجهه با وقایع تلخ را ندارند و منفعلانه عمل می‌کنند» (ر.ک: نوفل، ۱۴۰۷ق: ۹۳).

به عبارت دیگر معلوم می‌شود که عموم مؤمنان، با فرض دخول منافقان در آنان، دچار اختلاف بودند، «عده‌ای در مقابل این کنش منفی، واکنشی سازگارانه داشتند و صدق خبر را پذیرفته بودند» (طیب، ۱۳۷۸، ۹: ۴۹۹) و «عده‌ای هم منکر و نگران بودند که با این تهمت چگونه برخورد کنند و این چه شری است که دامن‌گیرشان شده است»؛ امروز دشمنان از ابزارهای تبلیغاتی قوی و مشهور بهره می‌گیرند و ممکن است هر لحظه خبری یا تصویری را به‌دروغ به مؤمنان یا مسئولان نظام اسلامی نسبت دهند؛ و چنانچه مردم دنبال‌کننده رسانه‌های دشمن باشند و از قوه بصیرت برخوردار نباشند، فریب خواهند خورد.

با نزول آیات به‌ویژه این قسمت: «شَرًّا لَّكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ»: «آن را برای خود شرّ نپندارید، بلکه آن (درنهایت) به نفع شماست»؛ معلوم شد که خبر کذب بوده است و خداوند نه‌تنها غصه و نگرانی را برطرف کرد، بلکه باعث رسوایی منافقان و دروغ‌پردازان نیز شد، همچنین «یکی از مصادیق خیر بودن این جریان، بصیرت‌افزایی مؤمنان برای حوادث مشابه است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۹۰).

۳-۱-۱. بی‌توجهی به یکپارچگی و وظایف اجتماعی

مؤمنان در این قضیه خود را از صحنه کنار کشیدند و سکوت کردند و این جریان را خصوصی شمردند، از این رو دخالت نکردند و به آن هیچ واکنشی نشان ندادند؛ قرآن در این جمله: «شَرًّا

لَكُمْ بَلَىٰ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ: «آن را برای خود شرّ نپندارید، بلکه آن (درنهایت) به نفع شماست» با ذکر ضمیر «لکم» همه مؤمنان را در این حادثه سهیم می‌شمرد و به‌راستی چنین است، زیرا مؤمنان از نظر حیثیت اجتماعی از هم جدایی و بیگانگی ندارند و در غم‌ها و شادی‌ها شریک و سهیم‌اند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۳۹۵)؛ و جمله دیگر «لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ» یادآور می‌شود که «مسئولیت عظیم سردمداران و بنیان‌گذاران یک گناه هرگز مانع از مسئولیت دیگران نخواهد بود، بلکه هرکس به هر اندازه و به هر مقدار در یک توطئه سهیم باشد بار گناه آن را بر دوش می‌کشد» (همان، ۱۴: ۳۹۶).

از جمله عوامل رواج شایعه، اهمیت موضوع و ابهام است یعنی «هرقدر اهمیت موضوع برای خواننده یا شنونده بیشتر باشد و ابهامات بیشتری پیرامون موضوع وجود داشته باشد، شانس حیات و رواج شایعه بیشتر است» (مکارم، ۱۳۷۸: ۵). یکی از جاهایی که جهاد تبیین در آن معنا پیدا می‌کند، همین جاست؛ زیرا جهاد در برابر دشمن و تبیین نیز در برابر ابهام به کار می‌رود.

۴-۱. چگونگی و پیامدهای واکنش سازگاران

در این بخش، ابتدا چگونگی پیامدهای افک و واکنش سازگاران در برابر آن افک بیان می‌شود؛ از این رو دو صفت عظیم و الیم در آیات ده‌گانه بررسی می‌شود؛ زیرا در پایان نیمی از آیات، به‌عنوان پیامد ذکر شده‌اند. وصف عظیم در چهار آیه از این آیات ده‌گانه ذکر شده که دو مورد به اصل موضوع (بهتان و دروغ) و دو آیه دیگر به نتیجه آن (عذاب عظیم) مربوط است. صفت الیم هم در یک آیه برای عذاب دروغ‌سازان و همراهان آنان (کاربران و فالوورها)، یاد شده است؛ بنابراین افک و واکنش سازگاران سه عنوان و پیامد دارد: بهتان عظیم، عذاب عظیم و عذاب الیم. پیامد دیگر که هدف اصلی از افک بود، تضعیف جایگاه رهبری مسلمانان است.

۴-۱-۱. بهتان عظیم

افک، نزد خدا بهتانی عظیم است، به‌ویژه اگر درباره جایگاه رهبری باشد؛ چراکه هتک حرمت ایشان گناهی بزرگ است، بلکه گوش دادن به آن یا خواندن خبر آن نیز جایز نیست (ر.ک: صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ۲۱: ۷۳).

۱. «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ

اللَّهِ عَظِيمٌ» (نور: ۱۵):

«آن‌گاه که از زبان یکدیگر (تهمت را) می‌گرفتید و آنچه را به آن علم نداشتید، دهان‌به‌دهان

می‌گفتید و این را ساده و کوچک می‌پنداشتید، درحالی‌که آن نزد خدا بزرگ است.»
۲. ﴿وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ﴾ (نور: ۱۶):
«چرا هنگامی که (آن تهمت را) شنیدید، نگفتید: ما را نرسد که در این باره حرفی بزنیم.
(پروردگارا) تو منزه‌ای، این بهتانی بزرگ است.»

مؤمنان نباید در برابر شایعاتی که درباره رهبران الهی پخش می‌شود، سکوت کنند و آن را بپذیرند؛ زیرا آنان نمایندگان خدا هستند و خدا منزّه از آن است که رهبری را انتخاب کند که خانواده او اهل فحشا باشند و از خدا بعید است که از چنین خانواده‌ای پاکی دفاع نکند (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ۲۱: ۷۴). فاحشگی همسران با کفر آنان تفاوت دارد؛ زیرا فحشا سبب تنفر از رهبران الهی می‌شود و خلاف مقصود ازدواج است (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ۹: ۲۶۴). حتی آنجایی که از خیانت همسران نوح و لوط سخن به میان آمده، خیانت دینی است نه جنسی؛ خدا نیز همسران پیامبران را از چنین چیزهایی مصون داشته است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۹: ۳۱۶) و هیچ کدام از مسلمانان، شیعه و سنی، معتقد به فجور همسران پیامبران در زمان زندگی و مرگ آنان نیستند (همان، ۹: ۳۱۸). پس چنین بهتانی عظیم و عجیب است؛ از این رو تکذیب چنین شایعاتی واجب است.

۱-۴-۲. عذاب عظیم

عذاب عظیم هم برای دروغ‌سازان است و هم برای واکنش‌گران سازگار؛ همانان که دروغ‌ها و تهمت‌ها را رواج می‌دهند یا در برابر دروغ و دروغ‌سازان واکنشی از خود نشان نمی‌دهند.
﴿وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (نور: ۱۱):

مجازات کسی که نقش اصلی را در ارتکاب جرم دارد، بزرگ‌تر است.
﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾
(نور: ۱۴):

و اگر فضل و رحمت الهی در دنیا و آخرت بر شما نبود، به سزای آن سخنان که گفتید، قطعاً عذابی بزرگ به شما می‌رسید.

بیشتر مفسران، عبدالله بن ابی سلول را و برخی نیز حسان و مسطح و حمنه را نخستین سازنده دروغ درباره بستگان رهبر مسلمانان در قصه افک می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۲۰۶؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ۱۸: ۱۷۸). از این رو، بیشترین عذاب متوجه کسی است که رهبری و ساماندهی

دروغ را به عهده دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۳۹۶)؛ پس کسانی که در اتاق‌های فکر دشمنان، برای هتک حرمت مسلمانان طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنند یا برای نخستین بار فحشایی را گزارش می‌دهند، گناه بزرگ‌تری مرتکب شده‌اند و عذاب بزرگ‌تری خواهند داشت.

باید خبرگزاری‌ها در انتشار چنین خبرهایی مسابقه را کنار گذارند و به دنبال مطرح کردن خود از این راه نباشند. «بر پایه روایات، کسی که سنت بدی را پایه‌گذاری کند دو برابر عذاب خواهد شد؛ هم عذاب آن کار بد هم شراکت در عذاب آنان که به آن کار بد عمل می‌کنند» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۳: ۳۳۸). عذاب آیه ۱۱ شامل سه گروه سازندگان اصلی، کادر میانی یا عصبه و مجموعه مسلمانان می‌شود و آیه ۱۴ تا ۱۷ شامل شنوندگانی می‌شود که تحت‌تأثیر تبلیغات دروغ‌سازان قرار گرفته‌اند (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ۲۱: ۷۰).

در برخی تفاسیر و روایات آمده است که سازندگان افک مجازات شدند و حدّ قذف (تهمت زدن) بر آنان جاری شد. کوری و خشکی دست و بی‌آبرویی آنان نیز از جمله عذاب‌های دنیوی آنان ذکر شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۳: ۳۳۸ و بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۴: ۱۰۰)؛ البته عذاب جهنم در آخرت نیز عذاب عظیم است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۲۰۶)؛ بنابراین دروغ‌سازان و کمک‌کاران و کاربران آنان از عذاب دنیوی و اخروی خدا در امان نیستند (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ق، ۲۱: ۷۱). لعن و نفرین و مذمت و نکوهش و عذاب قبر را نیز از جمله عذاب‌های دنیوی و اخروی انتشار شایعه ذکر کرده‌اند (مازندرانی، ۱۳۷۹: ۱۱).

۱-۴-۳. عذاب دردناک

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَجِبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاجِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نور: ۱۹):

«همانا برای کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان اهلی ایمان شایع گردد، در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است، و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.»

یکی از پیام‌های آیه آن است: «کسانی که به دنبال اشاعه فحشا هستند، نظام اسلامی باید آن‌ها را تنبیه کند» (قرآتی، ۱۳۸۳، ۶: ۱۵۸).

ریشه (ش ی ع) توسعه دادن در یک امر است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۶: ۱۶۶)، چه برای یاری باشد یا انتشار؛ زیرا توسعه ابعاد گوناگونی دارد، مانند توسعه فکری، عملی، مادی و معنوی. همچنین محل‌ها و جهات گوناگونی دارد مانند توسعه خبر در گوش‌ها و توسعه مقام در ذهن‌ها

(همان). به چوب خشک و باریک نیز شیاع می‌گویند؛ زیرا با قرار دادن آن در کنار چوب‌های دیگر سرعت انتشار و احراق بیشتر می‌شود (ر.ک: عسکری، ۱۴۰۰، ص ۲۷۳). الشوع، الوشع به نوعی درخت پسته‌مانند گفته می‌شود که وقتی آن را می‌برند بوی آن زیاد می‌شود (امیری، ۱۳۵۳: ۵۱ و حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۱: ۵۱۳)؛ و اشاعه به معنای آشکار کردن و نشر و رساندن یک خبر به مردم است، به گونه‌ای که بیشتر مردم از آن آگاه شوند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۸: ۱۹۱).

«فاحشه یا فحشاء در قرآن مجید غالباً در موارد انحرافات جنسی و آلودگی‌های ناموسی به کار رفته، ولی از نظر مفهوم لغوی به معنی هرگونه رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۴۰۳).

اشاعه فحشا و دوست داشتن آن به معنای آشکار کردن و نشر فحشا به مردم، به‌ویژه در مسئله مورد بحث، چنان نزد خدا مذموم است که حتی برخی (معتزله) در این باره به خدا نسبت زیاده‌روی داده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۲۳: ۳۴۷)؛ اشاعه فحشا عذابی الیم دارد، زیرا امنیت حیثیتی جامعه را به خطر می‌اندازد (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۲۳۳) و در نتیجه ناامیدی و آلودگی فضای جامعه را، مانند بویی نامطبوع یا غباری غلیظ، در بر می‌گیرد.

از جمله نشانه‌های دوست داشتن فحشا آن است که درباره آن گفت‌وگو و پرسش شود؛ برای نمونه پرسند از فلانی چه خبر؟ درباره افک یادشده برخی افراد به محض دیدار با دیگری می‌پرسیدند: دیدی صفوان در بین راه چه کرد؟ (جوادی آملی، همان: ۲۳۳)؛ فخر رازی آورده است که ابوحنیفه این استنطاق را نیز مصداق اشاعه فحشا دانسته و آن را ممنوع اعلام کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۲۳: ۲۴۷). کسانی که چیزی را درباره مؤمنان بگویند که نه چشمشان دیده و نه گوششان شنیده از دوست‌داران فحشا هستند (بحرانی، ۱۴۱۶، ۴: ۵۵ و کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۳۵۷).

عذاب دردناک در دنیا صورت‌های گوناگون حدی و تعزیری و تنبیهی و... دارد. همچنین در آخرت، هرکس به مرد یا زن مؤمنی بهتان بزند در خونابه چرکینی که از شرمگاه عورت زنان زانیه بیرون می‌آید، محشور می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۳۵۷). همچنین کسی که فحشایی را منتشر کند مانند انجام‌دهنده آن است (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴: ۶۶). تهمت، ایمان را در قلب، مانند نمک در آب از بین می‌برد (همان). ذلت اجتماعی یکی دیگر از عذاب‌های رواج فحشاست (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ۱۴۰۹، ۵۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱: ۱۲۴).

راهکار برخورد با انتشار فحشا درباره مؤمنان، تکذیب است؛ در روایتی از امام کاظم (علیه السلام) آمده است که اگر خبر ناپسندی درباره برادر دینی منتشر شد و او انکار کرد حتی اگر پنجاه نفر نفر ثقه (مورداطمینان) قسم خوردند، برادر مؤمن را تصدیق و دیگران را تکذیب کن (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۱۴۷؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۲۴۷).

۱-۴-۴. تضعیف جایگاه رهبری

دشمنان نظام اسلامی گاهی برای تضعیف جایگاه رهبری و در نتیجه خنثی‌سازی هدایت‌های او، دست به دروغ و تهمت می‌زنند و با رسوا کردن و آبروریزی سعی می‌کنند مردم را از حول او بپراکنند؛ در صورتی که مردم در برابر چنین رفتارهایی سازش کارانه عمل کنند؛ «پذیرش آن در اجتماع مسلمانان، موجب انزوای سیاسی اجتماعی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و از دست دادن مقبولیت و پایگاه اجتماعی آن حضرت می‌شد که در این صورت امکان رهبری جامعه وجود نداشت. در حقیقت، ماجرای افک اساسی‌ترین توطئه داخلی منافقان بر ضد حکومت نبوی (صلی الله علیه و آله) بود که جز اندک مردم هوشیار، همه را همراه توطئه‌گران به کام سرزنش الهی کشاند.» (حسینیان مقدم، ۱۳۸۴، مقدمه).

علامه طباطبایی چنین بیان می‌کند: «از آیه یازدهم دانسته می‌شود که دروغ‌سازان همکاری کرده‌اند تا با شیوع این خبر، در پاکی خانواده پیامبر (صلی الله علیه و آله) طعنه بزنند و آنان را میان مردم رسوا کنند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۵: ۹۰). آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر این آیات بیان کرده که منافقان پس از به کارگیری انواع فتنه‌ها برای مخالفت با نظام اسلامی و ترور رهبری، اقدام به از بین بردن حیثیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) کردند (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۲۱۶). آیت‌الله مکارم شیرازی بیان کرده‌اند: «در آیات مورد بحث، طبق شأن نزول‌های معروف، منافقان برای لکه‌دار ساختن حیثیت پیامبر خدا و متزلزل ساختن وجهت عمومی او دست به جعل ناجوانمردانه‌ترین شایعات و پخش آن زدند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۴۰۸).

اشاعة فحشا خطرناک‌ترین اسلحه برای سرنگونی جامعه و اشخاص است و در تاریخ، هیچ مکرری شدیدتر از واقعه افک برای مسلمانان نبوده است و اگر عنایت الهی نبود خشک و تر را نبود می‌کرد و همه جامعه را گرفتار می‌کرد (نوفل، ۱۴۰۷ق: ۱۲۷). پس بر پایه بسیاری از آیات و روایات، واکنش سازگاران به دروغ و دروغ‌سازان، پیامدهای بد بسیاری دارد.

۲. واکنش ناسازگارانه با دروغ‌سازی

در این بخش، به چیستی، چندگونگی، چرایی و چگونگی واکنش ناسازگارانه می‌پردازیم:

۲-۱. چیستی واکنش ناسازگارانه

هر نوع کنش منفی، دارای آثار و پیامدهای نامطلوب مادی و معنوی خواهد بود و در دنیای اسباب و مسببات اثر خود را خواهد گذاشت، به طوری که پیامبر (ﷺ) پس از برخورد با افراد بد، استغفار می‌کردند تا اثر برخورد با چنین افرادی پاک شود؛ امروزه نیز ثابت کرده‌اند که حتی آب و اشیای بی‌جان نیز از کنش‌های منفی متأثر هستند؛ پس لازم است در برابر این کنش‌ها واکنش مناسبی ارائه شود تا فرد و جامعه واکسینه شوند.

۲-۲. چندگونگی واکنش ناسازگارانه

واکنش ناسازگارانه از منظر بروز و ظهور نیز مثل واکنش سازگارانه، یا باطنی است یا ظاهری؛ گاهی انسان در برابر دروغ و دروغ‌سازان، در باطن ناراضی و ناخوشنود است ولو ظاهر واکنشی نشان ندهد، در این صورت واکنش او ناسازگارانه و باطنی است و گاهی در برابر دروغ و دروغ‌سازان، در ظاهر از خود مقاومت و مخالفت نشان می‌دهد. یکی از نمودهای ناراضی‌تبی ظاهری به دروغ، پخش و ارسال مستندات دروغ‌ها و دروغ‌گویان و برملا کردن و رسوایی آنان است که امروزه توسط افراد مختلفی از جمله خبرنگاران مؤمن، در فضای حقیقی و مجازی صورت می‌پذیرد و مؤمنان دیگر آن را انتشار می‌دهند تا دروغ‌گویان رسوا شوند و از حیثیت مؤمنان و پاک‌دامنان دفاع شود.

۲-۳. چرایی واکنش ناسازگارانه

در این پژوهش، دو علت واکنش سازگارانه ذکر می‌شود: ایمان، اهمیت دفاع از مؤمنان.

۲-۳-۱. ایمان و دین‌داری

در این آیه ایمان به خدا یکی از عوامل و شرط‌های مخالفت و ناسازگاری در برابر دروغ‌پردازان ذکر شده است:

﴿يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (نور: ۱۷):

«خداوند شما را اندرز می‌دهد که هرگز چنین کاری را تکرار نکنید اگر ایمان دارید! بنابراین مؤمنان نباید در برابر دشمنان و دروغ‌گویان سکوت و سازش کنند.»

اگر ما دایره مسلمانان را منحصر در کشور خود ندانیم و با دیدی وسیع به این موعظه الهی بنگیریم آن وقت می‌بینیم که نباید در مقابل دروغ‌پردازی‌هایی که دشمنان اسلام در نقاط جهان مرتکب می‌شوند تا مسلمانان را مورد آزار و اذیت و افک و بهتان قرار دهند، سکوت کنیم. وقتی می‌بینیم که برای مثال «در کشور اسپانیا زن مسلمانی را به دروغ متهم به تروریست بودن می‌کنند تا آبروی مسلمانان را ببرند»، (خبرگزاری حوزه: ۱۳۹۷۹) آیا سکوت در برابر چنین اتهاماتی جایز است؟ قرآن پس از قصه افک به مؤمنان می‌فرماید: تا ابد نباید چنین چیزی اتفاق بیفتد (نور: ۱۷).

رهبر انقلاب اسلامی در مورد تأثیر دین‌داری در جلوگیری از دشمنان دین که در دنیای امروز باعث انحراف و خطاهای فاحش می‌شوند چنین می‌فرماید: «هیچ عاملی جز دین نمی‌تواند در مقابل دیوانگی‌های دنیای امروز و قدرتمندان امروز دنیا بایستد. شما می‌توانید در مقابل قدرت‌های متکی به زور قدرافرازید؛ مشروط به این که با همه وجود، پای احکام نجات‌بخش اسلام و تبعیت از احکام قرآنی بایستید و بی‌هیچ رودربایستی و بی‌هیچ ملاحظه از کسی، در این راه و صراط مستقیم حرکت کنید... حقیقت این است که همان امر به معروف و نهی از منکر و همان حرکت حزب الهی و همان پایبندی به اصول است که می‌تواند در مقابل انحراف‌ها و خطاهای فاحش دنیای امروز بایستد؛ هیچ چیز دیگر نمی‌تواند» (خامنه‌ای: ۱۳۷۱/۱۱/۰۱).

۲-۳-۲. اهمیت دفاع از جایگاه مؤمنان و رهبری

دفاع از مؤمن، خصوصاً کسی که رهبر مؤمنان است و حتی بر خود مؤمنان اولویت دارد و همچنین همسران او که در جایگاه مادری مؤمنان قرار دارند، اهمیت و حساسیت بیشتری دارد: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» (احزاب: ۶): «پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسران او مادران آن‌ها [= مؤمنان] محسوب می‌شوند.» یکی از آیات مورد بحث به این مهم تصریح می‌کند که خیال نکنید یکی آمد و دروغی گفت و شما هم آن را دهان‌به‌دهان پخش کردید، این کار آسانی است؛ نه، بلکه این کار نزد خدا بسیار عظیم است و حساسیت بالایی دارد: «وَتَحْسَبُونَهُ هِينًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ» (نور: ۱۵) علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «زیرا این کار بهتان و دروغ‌گویی است. به علاوه، این امر مربوط به پیامبر (ﷺ) است و شیوع آن شأن و جایگاه آن حضرت را نزد مردم از بین می‌برد و دعوت دینی او فاسد می‌شود (طباطبایی، همان، ۱۵: ۹۲).

از این آیه و آیات دیگری مانند «نور: ۶۱» و «حجرات: ۱۰» دانسته می‌شود که قرآن، جامعه، به‌ویژه مؤمنان را، یک روح می‌داند؛ از این رو تذکر می‌دهد که چرا به خودتان حسن ظنّ ندارید و آبروی خود را می‌برید (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۹۸). با مقایسه آیه ۱۲ و ۱۶ سوره نور که با عبارت «وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ» آغاز شده‌اند، اهمیت دفاع از مؤمنان بیشتر دانسته می‌شود زیرا در آیه ۱۲ اسم ظاهر (مؤمنین و مؤمنات) آمده و از خطاب (ظننتم)، به غیبت (ظنّ) عدول شده است و جامعه اسلامی را عین و ذات یکدیگر می‌داند نه برادران یکدیگر؛ همچنین سفارش شده است که علاوه بر گمان خیر بردن به مؤمنان، باید آن را به لفظ بیاورند. در آیه ۱۶ التفات‌ها را کنار گذاشت و حکم را بیان فرمود که چرا دفاع نکردید (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۹۸ و ۲۰۵).

۲-۴. چگونگی (راهکارها و آثار) واکنش ناسازگاران

چه راهکارهایی برای واکنش ناسازگاران (مقابل با افک و اشاعه) ارائه شده است؟ این واکنش چه آثاری دارد؟ از جمله راهکارها عبارت‌اند از: گمان خیر بردن به مؤمنان، درخواست شاهد و سند، بی‌تفاوت نبودن در برابر منکرات، جلوگیری از کشتار مسلمانان، افزایش اطلاعات صحیح، دقت در موضوع، جلوگیری از نقل و دهان‌به‌دهان شدن آن، مجازات کردن دروغ‌سازان و پخش‌کنندگان شایعات (نوفل، ۱۴۰۷ق: ۱۳۴).

۲-۴-۱. گمان خیر بردن به مؤمنان

مؤمنان نباید به محض شنیدن هر خبری، به همدیگر گمان بد ببرند، به‌ویژه اگر آن خبر در مورد خانواده‌ای آبرودار و حساسی مثل رهبر جامعه باشد و همین‌طور الگوهای رفتاری که مردم آنان را به طهارت و پاکیزگی می‌شناسند. قرآن پس از توییح مؤمنان در بی‌تفاوتی آنان، به‌عنوان راهکار می‌فرماید: «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» (نور: ۱۲): «چرا زمانی که تهمت را شنیدید، مردان و زنان باایمان به خویش گمان خوب نبردند و نگفتند که این تهمتی بزرگ و آشکار است؟» از آنجا که بنی‌آدم اعضای یکدیگرند، تهمت به هر عضوی از جامعه اسلامی، همانند تهمت به دیگر اعضاست؛ پس در جامعه اسلامی باید روحیه حسن ظن حاکم باشد» (قرآنی، ۱۳۸۳، ۶: ۱۵۴). از همه مهم‌تر «حفظ حریم پیامبر (ﷺ) و خانواده‌اش بر هر مؤمنی واجب است»؛ (همان، ۶: ۱۵۶) و هر جای جهان نسبت به پیامبر اکرم (ﷺ) تهمت و بی‌حرمتی شود، وظیفه همه مسلمانان است که از پیامبر رحمت و عصمت، دفاع و حمایت کنند.

امام خامنه‌ای معتقد است این آیات در از بین رفتن بدگمانی در جامعه اسلامی نقش داشته است: «به نظر من، این حادثه عظیمی در تاریخ اسلام و زمان پیامبر است که به این وسیله در محیط اسلامی، ریشه شایعه‌پراکنی در مسائل شخصی افراد که موجب سوءظن و بدبینی به یکدیگر می‌شود و محیط و فضا را ناسالم می‌کند، کنده شد.» (خامنه‌ای: ۱۳۶۸/۰۷/۲۸).

۲-۴-۲. درخواست شاهد و سند

یکی از وظایف مؤمنان، در هنگام برخورد با چنین وقایعی و بلکه هر دروغ و ادعایی، طلب سند و مدرک است تا هر چیزی را از روی دلیل (درونی و بیرونی) و یقین بپذیرند (ر.ک: نوفل، ۱۴۰۷ق: ۱۳۴). خدای سبحان در آیه‌ای دیگر پس از توبیخ مؤمنان به خاطر اینکه از مدعیان دروغ‌گو سند و شاهد درخواست نکرده‌اند، می‌فرماید: ﴿لَوْلَا جَاؤُ عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ﴾ (نور: ۱۳): «چرا چهار شاهد بر صحت آن تهمت نیاوردند؟ پس چون گواهان لازم را نیاوردند، آنان نزد خدا همان دروغ‌گویان‌اند».

آیات زیادی در قرآن وجود دارد که از پذیرش اخبار بدون تبیین (روشنگری) و بدون علم نهی کرده است مانند «حجرات: ۶» و «اسراء: ۳۶» و «مؤمنون: ۳». در روایات نیز آمده که گفتن هر شنیده‌ای برای گناهکار یا دروغ‌گو بودن کافی است. (نوفل، ۱۴۰۷ق: ۱۳۶).

۲-۴-۳. بی تفاوت نبودن به منکرات

یکی دیگر از توصیه‌های خدای سبحان به مؤمنان آن است که چرا وقتی چنین اخباری را می‌شنوید خدای سبحان را یاد نمی‌کنید؛ چرا که چنین منکراتی نزد او عظیم هستند و نباید با بی تفاوتی از کنار آنها رد شوید.

قرآن کریم، در مورد بی تفاوت نبودن به دروغ و تهمت می‌فرماید: ﴿وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ﴾ (نور: ۱۶): «چرا هنگامی که (آن تهمت را) شنیدید، نگفتید: ما را نرسد که در این باره حرفی بزنیم. (پروردگارا) تو منزهی، این بهتانی بزرگ است.» از این آیه برداشت می‌شود که «انسان در برابر شنیده‌ها، مسئول است (لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ) و هنگام برخورد با مسائل مهم باید سبحان الله بگوید (سُبْحَانَكَ) و در نزد خداوند، دنیا کوچک، ولی بهتان به مسلمان بزرگ است» (قرآنی، ۱۳۸۳، ۶: ۱۵۷).

این آیه نشان می‌دهد که سکوت در برابر تهمت و دروغ جایز نیست؛ زیرا فرمود: ﴿وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ﴾؛ چرا وقتی شنیدید، نگفتید...؟! بنابراین سکوت در برابر منکراتی چون تهمت

و دروغ نشانه رضایت است و رضایت به آن‌ها نیز گناه است. برخی از مفسران ذیل این آیه، از وجوب انکار شایعات سخن گفته‌اند که به محض شنیدن، انکار دروغ و تحذیر از آن همچنین نیک‌گویی و دفاع از مؤمنان واجب است^۱ (ر.ک: قشیری، بی تا، ۲: ۵۹۹؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ۸: ۲۷۹). برخی دیگر معتقدند که وقتی چنین سخنانی شنیدید باید سکوت کنید و حتی رد هم نکنید تا جلوی اشاعه آن گرفته شود، زیرا رد نیز نوعی اشاعه قول است و اشاره به آن نیز به هر طریقی صحیح نیست (قونوی، ۱۴۲۲ق، ۱۳: ۲۹۱). به‌رحال مراد آن است که سکوت یا کلام نشانه انکار و رد باشد نه رضایت.

نتیجه‌گیری

با توجه به آیات یادشده دشمنان نظام اسلامی برای ضربه زدن به نظام همدست‌اند و مؤمنان نباید فریب شایعه‌پراکنی آنان را بخورند. در این تحقیق، نوع واکنش مؤمنان در برابر دروغ‌سازی دشمنان که بر دوگونه سازگارانه و ناسازگارانه است بررسی شد.

ازجمله عوامل واکنش سازگارانه عبارت‌اند از: ترس از قدرت دروغ‌سازان، ظاهربینی، ضعف بصیرت، بی‌توجهی به یکپارچگی، و بی‌اعتنایی به وظایف اجتماعی. برخی از پیامدهای این نوع واکنش عبارت‌اند از: بهتان و عذاب عظیم و الیم و تضعیف نظام اسلامی و رهبر مسلمانان.

ازجمله عوامل واکنش ناسازگارانه در برابر دروغ و دروغ‌سازی عبارت‌اند از: ایمان و دین‌داری و اهمیت دفاع از جایگاه مؤمنان. برخی از راهکارها و آثار واکنش ناسازگارانه عبارت‌اند از: گمان خیر بردن به مؤمنان، درخواست سند و شاهد، بی‌تفاوت نبودن به منکرات و جلوگیری از فساد و فحشا.

۱- «فالواجب الرد علی قائله، و لا یکفی فی ذلک السکوت دون النکیر، و یجب رد قائله بأحسن نصیحة، و أدق موعدة...» (لطائف الاشارات، ۲: ۵۹۹).

کتاب‌نامه

- قرآن مجید، ترجمه مکارم شیرازی با اندکی تغییر.
- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۶ق)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، چاپ دوم، قم، دار الشریف الرضی للنشر.
 - ۲- ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب اعلام اسلامی.
 - ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، تحقیق: جمال الدین میر دامادی، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر.
 - ۴- امیری، منوچهر، (۱۳۵۱)، *فرهنگ داروها و واژه‌نامه‌های دشوار*، چاپ یکم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
 - ۵- آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، چاپ یکم، دارالکتب العلمیه.
 - ۶- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، چاپ یکم، تهران، بنیاد بعثت.
 - ۷- بیضاوی، عبد الله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلی، چاپ یکم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 - ۸- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۶)، *درس خارج تفسیر سال ۱۳۹۰-۹۱ش (تفسیر تسنیم)*، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، سایت مدرسه فقاہت.
 - ۹- حسن بن علی، امام یازدهم (علیه السلام)، (۱۴۰۹ق)، *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري (علیه السلام)*، چاپ یکم، قم، مؤسسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
 - ۱۰- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق: علی هلالی و علی سیری، چاپ یکم، بیروت، دارالفکر.
 - ۱۱- حسینی علی آباد، سید روح الله، (۱۳۹۷ش)، «نگاه قرآنی به شایعه و شبهه، دو روش نفوذ فرهنگی دشمن از طریق رسانه»، نشریه معرفت. شماره ۴.
 - ۱۲- حسینی، سید محمد رضا، (۱۳۹۸)، «نقد و بررسی تطبیقی شأن نزول آیه افک با رویکردی تاریخی»، دو فصلنامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، س ۴، ش ۳.
 - ۱۳- حسینیان مقدم، حسین، (۱۳۸۴)، «بررسی تاریخی - تفسیری حادثه افک»، تاریخ در آئینه پژوهش، ش ۷.
 - ۱۴- خامنه‌ای، سید علی، (۷۱ / ۱۱ / ۰۱)، *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام*، به مناسبت عید مبعث.
 - ۱۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
 - ۱۶- زحیلی وهبة بن مصطفى، (۱۴۱۸ق)، *التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج*، چاپ دوم، دار الفکر المعاصر.
 - ۱۷- صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 - ۱۸- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات اسلامی.

- ۱۹- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، نشر ناصر خسرو.
- ۲۰- طیب سید عبد الحسین، (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، نشر اسلام.
- ۲۱- عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، چاپ یکم، بیروت، دارالآفاق الجديدة.
- ۲۲- فخررازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)*، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۳- قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۲۴- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، (بی‌تا)، *لطائف الاشارات*، تحقیق: ابراهیم بسیونی، چاپ سوم، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- ۲۵- قمی مشهدی محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق: حسین درگاهی، چاپ یکم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- ۲۶- قونوی، اسماعیل بن محمد، (۱۴۲۲ق)، *حاشیة القونوی علی تفسیر البیضاوی*، چاپ یکم، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ۲۷- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- ۲۸- کوفی اهوازی، حسین بن سعید، (۱۴۰۴ق)، *المؤمن*، قم، مؤسسه الإمام المهدي (علیه السلام).
- ۲۹- مازندرانی، محمد، (۱۳۷۹)، *شایعه در قرآن و روایات*، مجله پیام حوزه، ش ۲۵.
- ۳۰- ماوردی، علی بن محمد، (بی‌تا)، *النکت و العیون*، چاپ یکم، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ۳۱- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)*، چاپ دوم، بیروت.
- ۳۲- مدرسی سید محمد تقی، (۱۴۱۹ق)، *من هدی القرآن*، چاپ یکم، تهران، دار محبی الحسین (علیه السلام).
- ۳۳- مروّج، حسین، (۱۳۷۹)، *اصطلاحات فقهی*، قم، بخشایش.
- ۳۴- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگی اسلامی.
- ۳۵- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- ۳۶- مکارم، حمید، (۱۳۷۸)، *شایعه‌سازی و راه مقابله با آن*، ماهنامه مکتب اسلام، ش ۳.
- ۳۷- نوفل، احمد، (۱۴۰۷ق)، *الاشاعة*، چاپ سوم، عمان، دارالفرقان للنشر و التوزیع.
- ۳۸- سایت خبرگزاری حوزه، (۱۳۹۷/۰۸/۰۹): <https://www.hawzahnews.com>.
- ۳۹- سایت فیلسوف‌یار، (۱۳۹۷/۰۶/۲۸)، *یادداشت‌های دکتر دینانی*: <https://philosophyar.net/dinani/>.

REFERENCES

* The Holy Quran, translated by: Makarem Shirazi (with a slight alteration).

1- Al-Qommi Al-Mashhadi Mohammad Ibn Mohammad Reza, (1368), Tafsir Kanz al-Daqa'iq wa Bahr al-Gharaib, research: Hosein Dargahi, First Edition, Tehran, Ministry of Islamic Guidance Publishing House.

2- Alousi, Sayyid Mahmoud, (1415 AH), Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azeem, research: Ali Abd al-Bari Atiyah, First Edition, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.

3- Amiri, Manouchehr, (1351), Farhang Darouha va Vajenahaye Doshvar, First Edition, Tehran, Iranian Culture Foundation.

4- Askari, Hasan Ibn Abdullah, (1400 AH), Al-Furooq Fi Al-Lughah, First Edition, Beirut, Dar al-Afaq Al-Jadeeda.

5- Bahrani, Sayyid Hashim ibn Sulayman, (1416 AH), Al-Burhan Fi Tafsir Al-Quran, First Edition, Tehran, Besat Foundation.

6- Baidawi, Abdullah Ibn Umar, (1418 AH), Anwar At-Tanzil wa Asrar At-Tawil, Research: Muhammad Abdul Rahman Al-Marashli, First Edition, Beirut, Dar Al-Ihya Al-Turath Al-Arabi.

7- Fakhr Al-Razi, Muhammad ibn Umar, (1420 AH), Mafatih al-Ghayb (Al-Tafsir al-Kabir), Third Edition, Beirut, Dar Al-Ihya Al-Turath Al-Arabi.

8- Hasan Ibn Ali, At-Tafsir Al-Mansoub ila Al-Imam Al-Hasan Al-Askari (AS), (1409 AH), First Edition, Qom, Imam Mahdi (AS) Institute.

9- Husaini Zubaidi, Muhammad Murtaza, (1414 AH), Taj Al-Aroos min Jawahir Al-Qamoos, Research: Ali Hilali and Ali Seiri, First Edition, Beirut, Dar al-Fikr.

10- Husaini, Seyed Muhammad Reza, (1398), Naqd va Barrasi Tatbighi Shan Nuzool Ayeh Efk ba Rooykardi Tarikhi [Comparative Critique and Review of the Occasion of the Revelation of Ifk Verse with a Historical Approach], Two Quarterly Journal of Comparative Interpretation Research, Vol. 4, No. 3.

11- Huseini Aliabad, Seyyed Ruhollah, (1397), Negahi Qurani be Shaye'eh va Shobhe; Do Ravesh Nufouz Farhangie Doshman az Tarigh Resaneh [Quranic view of rumors and suspicion, two methods of cultural influence of the enemy through the media], Marefat Magazine. No. 4.

12- Hoseinian Moghadam, Hosein, (1384), Barrasi Tarikhi Tafsiri Hadeseh Efk [Historical-Interpretive Study of the Ifk Incident], Tarikh Dar Ayneh Pajooohesh, No. 7.

13- Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali, (1406 AH), Thawab Al-Amal wa Iqab Al-Amal, Second Edition, Qom, Dar Al-Sharif Al-Radhi Publishing House.

14- Ibn Faris, Ahmad Ibn Faris, (1404 AH), Mu'jam Maqayis Al-Lughah, Qom, Maktab Ilam Islami.

15- Ibn Manzoor, Muhammad ibn Mukarram, (1414 AH), Lisan Al-Arab, Research: Jamal al-Din Mir Damadi, Third Edition, Beirut, Dar al-Fikr.

16- Javadi Amoli, Abdullah, (1396), Dars Kharej of Tafsir in 1390-91sh (Tafsir Tasnim), Ghaemiyeh Computer Research Center, Isfahan, School of Jurisprudence (Madrasyeh Feghahat) website.

17- Khamenei, Seyyed Ali, (11/1/71), Statements of the Supreme Leader in the meeting of

The Government officials and agents, on the occasion of Eid al-Fitr.

- 18- Kufi Ahwazi, Husain Ibn Saeed, (1404 AH), Al-Mu'min, Qom, Imam Al-Mahdi Foundation (AS).
- 19- Kulaini, Muhammad Ibn Yaqub, (1407 AH), Al-Kafi, Edited by: Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhundi, Fourth Edition, Tehran, Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah.
- 20- Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi, (1403 AH), Bihar Al-Anwar Al-Jame'a Li Durar Akhbar Al-A'immah Al-At'har (AS), Second Edition, Beirut.
- 21- Makarem Shirazi, Naser, (1374), Tafsir Nomoneh, Tehran, Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah.
- 22- Makarem, Hamid, (1378), Shaye'eh Sazi va Rahe Moghabele Ba An [Rumors and the way to deal with it], Maktab Islam Monthly, No. 3.
- 23- Mawardi, Ali ibn Muhammad, (No Date), Al-Nukat wa Al-Oyoun, First Edition, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- 24- Mazandarani, Mohammad, (1379), Shaye'eh Dar Quran va Revayat, Payam Hozeh Magazine, No. 25.
- 25- Moravvej, Husain, (1379), Estelahate Feq'hi [Jurisprudential Terms], Qom, Bakh'shayesh.
- 26- Mudarresi, Seyyed Mohammad Taqi, (1419 AH), Min Hoda Al-Quran, First Edition, Tehran, Dar Mohebbi Al-Husain (AS).
- 27- Mustafavi, Hassan, (1368), Al-Tahqiq Fil kalimat Al-Qur'n Al-Kareem [Research in the words of the Holy Quran], Tehran, Ministry of Islamic Culture.
- 28- Nawfal, Ahmad, (1407 AH), Al-Isha'a, Third Edition, Oman, Dar al-Furqan for publishing and distribution.
- 29- Qeraati, Mohsen, (2004), Tafsir Noor, Tehran, Cultural Center of Quranic Lessons.
- 30- Qunawi, Ismail Ibn Muhammad, (1422 AH), Hashiyah Al-Qunawi ala Tafsir al-Baydawi, First Edition, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- 31- Qushairi, Abd al-Karim ibn Hawazen, (No Date), Lataif al-Isharat, Research: Ibrahim Basyuni, Third Edition, Egypt, Al-Hayat Al-Misriyyah Al-Ammah Lil-Kitab.
- 32- Ragheb Isfahani, Husain Ibn Muhammad, (1412 AH), Mufradat Alfazh Al-Quran [Glossary of Quranic Words], Beirut, Dar al-Qalam.
- 33- Sadeghi Tehrani, Muhammad, (1365), Al-Furqan Fi Tafsir Al-Quran bi'l Quran, Second Edition, Qom, Islamic Publications Office.
- 34- Tabarsi, Fadl Ibn Hasan, (1372), Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Research: Mohammad Javad Balaghi, Third Edition, Tehran, published by Naser Khosrow.
- 35- Tabatabai, Seyyed Muhammad Hussein, (1417 AH), Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom, Islamic Publications.
- 36- Tayyib Sayyid Abd al-Husain, (1378), Atyab Al-Bayan fi Tafsir Al-Quran, Tehran, Nashr-e Islam.
- 37- Zuhaili Wahba Ibn Mustafa (1418 AH), Tafsir Al-Munir Fi Al-Aqeedah wa Al-Sharia wa Al-Manhaj, Second Edition, Dar Al-Fikr Al-Muasir.
- 38- Hawzah News Agency website, (09/08/1397): <https://www.hawzahnews.com>
- 39- Philosophyar website, (28/06/1397), Dr. Dinani's notes: <https://philosophyar.net/dinani>